

زنگ ها برای که به صدا درآمدند؟

افسانه پوشش

روز چهارشنبه، ۲۳ فروردین، زنگ‌های مدارس در ایران به صدا درآمدند. سران جمهوری اسلامی این زنگ را، زنگ "عزت و غرور ملی" نامیدند و مناسبت آن را دستیابی ایران بر چرخه‌ی تولید سوخت هسته‌ای آزمایشگاهی اعلام کردند، اما واقعیت چیست؟

جمهوری اسلامی در هیاهوی تبلیغاتی خود از اعتماد ملی، از مقاومت و پایداری در مقابل استعمارگران داد سخن سر می‌دهد و احمدی نژاد وعده می‌دهد که "این آغازی بر پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بزرگتر و بزرگتر است". اما واقعیت تجربه‌ای که مردم ستمدیده‌ی ایران با جمهوری اسلامی که خود عامل تحقیر و سرکوب بوده است، دروغ‌های رژیم جمهوری اسلامی را برملا می‌سازد. رژیمی که سال‌های سال هرگز خطری جدی برای امپریالیسم جهانی نبوده و همواره روابط گسترده‌ی خود را با آنان داشته و دارد، از عزت و غرور ملی بویی نبرده و از پیشرفت، تنها پیشرفت ارقام حساب‌های بانکی سرمایه‌داران و صاحبان زور و قدرت را می‌فهمد. این واقعیتی‌ست که مردم زحمتکش ایران هر روز با جان و روان خود تجربه می‌کنند.

تجربه‌ی تاریخی نیز به ما می‌آموزد که داشتن قدرت هسته‌ای هرگز نه اعتماد ملی آفریده و نه نشانه‌ی مبارزه با استعمار و امپریالیسم بوده و نه دلیل پیشرفت واقعی. چه بسا کشورهایی هستند مانند پاکستان، هندوستان، چین و اسرائیل که سال‌های سال است به قدرت فناوری هسته‌ای دست یافته‌اند، اما سهم مردم این کشورها از آن چه بوده است؟ اسرائیل از سال ۱۹۶۸ به قدرت اتمی دست یافته، اما هنوز درگیر سیاست جنگ افروزان و اشغالگرانه‌ی خود است؛ سیاستی که که قربانیان آن مردم کوچ و خیابان هستند. هندوستان از سال ۱۹۷۴ سلاح‌های اتمی دارد و امروز هنوز هزاران انسان در این کشور بر روی سنگفرش خیابان‌ها از گرسنگی جان می‌دهند. پاکستان از سال ۱۹۹۸ قدرت اتمی شده ولی مردم آن هنوز در کنار فقر و بدبختی از ابتدایی‌ترین حقوق دموکراتیک خود محروم هستند. و در کشور چین که از ۱۹۶۴ دارای بمب اتم بوده و اکنون الگوی پیشرفت برای مال‌اندوزان و کوته‌نظران شده، میلیون‌ها انسان به طرزی وحشیانه استثمار می‌شوند تا کالاهای چینی، بازارهای جهان و سود آن‌ها، جیب سرمایه‌داران را پر کنند.

اگرچه ایران هنوز از ساخت بمب اتمی فاصله دارد و این امر از نظر کارشناسان حداقل یک سال دیگر به طول می‌انجامد، ولی حتی دستیابی به این امر هم نه عزت و غرور ملی می‌آفریند و نه مایه‌ی پیشرفت خواهد شد. کشورهای اروپایی صاحب بمب اتمی نیز که به پیشرفت دست یافته‌اند، دلیل آن داشتن بمب اتمی نبوده، بلکه دلایل تاریخی دیگری موجب آن گردیده است. نصیب مردم زحمتکش از بمب اتمی نه تنها هرگز رفاه و آسایش نبوده، بلکه تنها هزینه‌های هنگفتی بوده که در واقع بایستی خرج همان رفاه و آسایش می‌شد، ولی به جای آن در خدمت صنایع نظامی قرار گرفته و آنچه که نصیب حکومتگران متکبر و مستبد گردیده، در واقع امکان چانه‌زنی در پای میز مذاکره برای حفظ حکومت و منافع خود بوده است. بنابراین علیرغم اظهارات فریبکارانه‌ی احمدی‌نژاد و ژست ضد امپریالیستی او، حتی اعلام امکان غنی‌سازی اورانیوم نه تنها تهدیدی برای کشورهای

غربی محسوب نمی‌شود، بلکه چراغ سبزی به آنان برای رفتن به پای میز مذاکره و در بهترین حالت گرفتن امتیازات بیشتر برای حکومت جمهوری اسلامی است. برای اثبات صحت این نظر می‌توان به اظهارات خود احمدی نژاد در روز سه شنبه ۲۲ فروردین مراجعه کرد: "مجموعه فعالیت های هسته‌ای ما در همه مراحل، تحت قوانین و نظارت کامل و کم سابقه آژانس انرژی اتمی بوده است و امروز نیز زیر نظر آژانس، فعالیت‌های خودمان را ادامه می‌دهیم و آنچه به دست آمده و در آینده به دست می‌آید، منطبق بر قوانین شناخته شده از جمله حقوق ملت ما در آژانس و معاهده ان پی تی است."

در اینجا سؤالی بسیار ساده مطرح است. اگر تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت کامل آژانس انرژی اتمی بوده است، پس این همه هیاهو بر سر چیست؟ این که آژانس انرژی اتمی با این که ظاهراً مستقل است ولی تحت نظر دولت‌های عضو که بودجه‌ی آن را تأمین می‌کنند، قرار دارد و مأموریت‌های خود را از سازمان ملل و شورای امنیت می‌گیرد و حتی دفتر اصلی آن نیز در ساختمان سازمان ملل در کشور اطریش است، رازی نیست که از کسی پنهان باشد. بنابراین کشورهای عضو شورای امنیت نیز کاملاً از فعالیت‌های ایران آگاه بوده‌اند. به همین دلیل است که اعلام دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای، در موضع انگلیس، فرانسه و آلمان، چین و روسیه که خواهان مذاکره بوده و هستند، در واقع تغییری به وجود نیاورد. احمدی نژاد نیز علیرغم تندگویی‌های مزورانه‌ی خود در عمل حتا از اسلاف خود نیز در جهت مذاکره با کشورهای امپریالیستی پیشی گرفته و برای اولین بار در زمان ریاست جمهوری او سران رژیم موافقت خود را با مذاکره مستقیم با آمریکا اعلام کردند. خبرهای مطبوعاتی نیز حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی هیأت بلندپایه‌ای را به ریاست محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی دبیر شورای عالی امنیت ملی به آمریکا اعزام کرده است تا با مقام‌های آمریکایی درباره اختلافات دوجانبه به مذاکره پردازد. در همین راستاست که کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا در سفر اخیر خود به بریتانیا، در مصاحبه با تلویزیون آی تی وی این کشور می‌گوید: "ما معتقدیم که دیپلماسی در این مورد نمی‌تواند مؤثر واقع شود اما ما با هرکس که بتوانیم و به هر شکلی که بتوانیم، به روش دیپلماتیک، تلاش می‌کنیم تا موضع ایرانی‌ها را تغییر دهیم." در واقع اگر منافع کشورهای امپریالیستی تأمین شود، آنان با کمال میل حاضر هستند فحش هم بشنوند و ادعای رژیم در مبارزه علیه امپریالیسم بلوف مکارانه‌ای است که نه تنها در عمل نشانه‌ای از مبارزه‌ی واقعی با امپریالیسم جهانی ندارد، بلکه می‌تواند آغاز سازش و انعطافی جدید در مورد پرونده‌ی اتمی و حیات جمهوری اسلامی باشد. تا رژیمی که پایه‌های حکومتش در درون کشور بر استثمار و سرکوب دائمی استوار بوده و هست، اندکی بیشتر عمر خود را به درازا نکشد.

اما چه زیبا بود، اگر واقعاً موضوع عزت و غرور ملی، اعتماد ملی، مبارزه با استعمارگران و پیشرفت‌های بزرگ مطرح بود. بی‌شک این رویایی است که مردم ایران سال‌های متمادی است آرزوی تحقق یافتن آن را دارند، اما سخن از تحقق این رویا از زبان سران جمهوری اسلامی، توهینی به شعور مردم ایران است.

امروز نیز غنی سازی اورانیوم نه نانی در سفره‌ی خالی کارگران و زحمتکشان می‌گذارد، نه دردهای زنی را که تازیانه می‌خورد، تخفیف می‌دهد و نه دری به آینده‌ای روشن برای جوانان می‌گشاید.

باری، زنگ های مدارس برای کارگران و زحمتکشان نبود که به صدا درآمدند.

۲۵ فروردین ۲۰۰۶